

مانایی استاد سخن

به مناسبت اول اردیبهشت روز بزرگداشت سعدی

تحلیل ادبی



علیرضا پیروان

دکترای مطالعات فرهنگی

جهان ادبی سعدی، جهانی است درهم‌تنیده از زیبایی، اخلاق، سیاست، عشق، سفر و تجربه‌های انسانی که پس از هشت سده همچنان زنده، تپنده و مخاطب محور باقی مانده است. این جهان، نه یک دستگاه صرفاً ادبی، بلکه نوعی «سیستم معنایی گسترده» است که در آن زبان، تجربه و خرد با چنان چفت‌و‌بستی به هم گره خورده‌اند که هر مخاطبی - حتی امروز، در عصر آلوده به سرعت و هیاهو، احساس می‌کند سعدی برای او سخن می‌گوید. برای همین است که نام سعدی تنها یک نام در تاریخ ادبیات فارسی نیست؛ بلکه «چهره‌ای فرهنگی» است که زمانه و زبان را در خود فرسوده و به شکلی شگفت‌انگیز از مرزهای تاریخی فراتر برده است.

سعدی جهان ادبی بزرگی را بنا کرد که نه بر پایه خیال‌پردازی صرف، بلکه بر پایه خرد، تجربه و فهم عمیق انسان بنا شده بود. «بوستان» با آرمان‌گرایی اخلاقی-سیاسی‌اش و «گلستان» با خرد روزمره، طنز اجتماعی و نثر شفافش، دو ستون اصلی این جهان‌اند. از این رو، سعدی نه گذشته‌ای دور، بلکه حال زنده فرهنگ و زبان فارسی است.

در جهانی که با شتابی سرسام‌آور در حال تغییر است، میراث سعدی همچنان ما را فراق می‌خواند؛ اینکه انسان را در پیچیدگی‌هایش ببینیم، قدرت را مسئول بدانیم، اخلاق را در موقعیت‌ها بسنجیم و مهم‌تر از همه، زبان را همچون آینه‌ای برای شفافیت اندیشه به کار بگیریم. در این مجال می‌کوشم با نگاهی نو میراث و معنای معاصر آثار سعدی را بازخوانی کرده و نشان دهم چگونه «بوستان» و «گلستان» نه تنها دو شاهکار ادبی، بلکه دو نقطه اتصال میان سنت و مدرنیته، اخلاق و سیاست، زیبایی و تفکر محسوب می‌شوند.

شاعر چرخه

اگر حافظ را بتوان شاعری دانست که اغلب در قلمرو الهام و اشراق سیر می‌کند، سعدی بی‌شک شاعر تجربه است؛ تجربه زیسته‌ای از سفرهای دور و درازش. در تماس با جهان متکثر شکل گرفته است. همین تجربه‌محوری باعث شده زبان و جهان سعدی نوعی «ایمان‌ناپذیری انسانی» داشته باشد؛ یعنی مخاطب احساس می‌کند سخن از دل تجربه واقعی برآمده، نه از صرف خیال‌پردازی. نکته مهم این است که سعدی این تجربه‌گرایی نه تنها به شیوه زیست سعدی مربوط می‌شود، بلکه به روش روایت و سبک نوشتاری‌اش هم رسوخ کرده است. داستان‌ها و حکایت‌های او به طرز شگفت‌آوری کوتاه، دقیق، سرزنده و میوزون هستند؛ گویی نویسنده درست در همان لحظه ماجرا را برایتان تعریف می‌کند. از این منظر، سعدی را باید یکی از پیش‌قراول‌های «نثر مینیمال»، طنز اجتماعی و داستان کوتاه در ادبیات فارسی دانست. همچنین، تجربه‌گرایی او قابل ترجمه به جهان مدرن است. او ادیبی است که به جهان واقعی نگاه می‌کند، درست همان کاری که ادبیات امروز انجام می‌دهد.

جغرافیای اخلاق، سیاست و کنش انسانی

«بوستان» اولین و مهم‌ترین منظومه اخلاقی-تربیتی در زبان فارسی است؛ اما اگر آن را تنها «منظومه اخلاقی» بخوانیم، در حقیقت بخش عظیمی از کارکرد آن را نادیده گرفته‌ایم. «بوستان» در واقع یک «شهر آرمایی» است که در آن سعدی با استفاده از روایت‌های منظوم، جهان ممکن مطلوب خود را می‌سازد؛ جهانی که در آن عدالت، خردمندی، کرامت انسانی، عشق، و تواضع استوانه‌های اصلی‌اند.

بخش بزرگی از «بوستان»، بویژه در باب اول، نوعی سیاست‌نگاری یا سیاست‌نامه شاعرانه است. سعدی، برخلاف کاتبین سیاست‌نامه‌ها، رویکرد خشک و دستوری را کنار می‌نهد و با نگاهی انسانی و لطیف وارد عرصه سیاست می‌شود. به همین دلیل است که توصیه‌های او برای حکومت‌داری، حتی امروز هم قابل خواندند. او در «بوستان» به شکلی بسیار هوشمندانه از «قدرت» سخن می‌گوید؛ اینکه قدرت باید عادلانه باشد، نه تحکم‌آمیز؛ انسانی باشد، نه فناکننده. او پیش از آنکه فلاسفه سیاسی مدرن از «مشروعیت اخلاقی قدرت» سخن بگویند، این انگاره را در قالب حکایاتی شفاف بیان کرده بود.

«عشق» در «بوستان»، نه صرفاً احساسی فردی، بلکه فضیلتی اخلاقی است. سعدی

عشق را نیرویی می‌داند که هم بنیاد شرافت انسانی را می‌سازد و هم مرزهای سخت میان طبقات و قدرت را فرو می‌ریزد. این نگاه، «بوستان» را از سطح یک کتاب تربیتی فراتر برده و آن را بنیاد به متنی درباره «انسان ممکن» کرده است. مسأله روایت‌مندی در «بوستان» نیز حائز اهمیت است. «بوستان» تنها دیوانی از اشعار نیست، بلکه مجموعه‌ای از صدها حکایت کوتاه است که هر کدام ساختار روایی مشخصی دارند. این ویژگی آن را بدل به متنی پیش‌پسود در ادبیات کلاسیک کرده است. در یک ارزیابی روایت‌شناختی، «بوستان» را می‌توان به عنوان نمونه درخشان «شعر-روایت» معرفی کرد.

شکوه نثر فارسی

اگر «بوستان» شهر آرمایی سعدی است، «گلستان» را می‌توان «شهر واقعی» او دانست؛ شهری ملموس و پراز تناقضات انسانی. «گلستان»، در سطحی ساده، کتابی است پراز حکایات کوتاه، اما در لایه عمیق‌تر، اثری است درباره ماهیت قدرت، روانشناسی انسان، اقتصاد، عشق، اخلاق اجتماعی و حتی نقد ساختارهای سیاسی. «گلستان» چنان نثر تمیزی دارد که با گذشت سده‌ها، همچنان نثر معیار زبان فارسی به شمار می‌رود. دلیل اصلی این شگفتی، «تعادل» است: تعادل میان سادگی و زیبایی، میان موسیقی و معنا، میان نثر و شعر، میان لطافت و گزندگی. نثر سعدی نه پیچیده است و نه ساده، بلکه «شفاف» است. این شفافیت نه از فقر، بلکه از وفور قدرت زبانی ناشی می‌شود؛ قدرتی که به نویسنده اجازه می‌دهد با کمترین کلمات بیشترین معنا را منتقل کند.

طنز در «گلستان» نه صرفاً ابزار برای خنده، بلکه روشی برای نقد است. سعدی در بسیاری از حکایت‌ها با یک ضربه ظریف، ساختارهای قدرت، جهل، ریاکاری و فریبکاری اجتماعی را افشا می‌کند. محققان معاصر بارها تأکید کرده‌اند که طنز سعدی «طنز اخلاقی» است، نه هزل. این طنز به جای آنکه مخاطب را بخنداند و رها کند، او را تکان می‌دهد. مفهوم «انسان روزمره» و تصویر «آدم عادی» در «گلستان» فردی است که نه قهرمان است و نه ضدقهرمان. نفس وجود چنین انسانی، «گلستان» را تا اندازه‌ای نزدیک به ادبیات مدرن کرده است.

اخلاق، قدرت و فلسفه زبان

سعدی را می‌توان یکی از اصیل‌ترین نظریه‌پردازهای اخلاق عملی دانست. اخلاق سعدی اخلاقی زنده است؛ نه خشک و نه تحمیلی. او از انسانی سخن می‌گوید که ممکن است خطا کند، اما همچنان ظرفیت تعالی دارد. از این رو، اخلاق در آثار او نه انتزاعی است و نه سختگیرانه؛ بلکه «اخلاق موقعیت» است؛ نوعی نگاه سیال و بافت‌محور که اجازه می‌دهد رفتار اخلاقی به هر موقعیت با در نظر گرفتن زمینه تعریف شود. این نقطه قوت مهمی در تفکر سعدی است و او را از اخلاق‌گرایان متحجر ساختنگر متمایز می‌کند.

نویسندگانی نظیر نصرالله پورجوادی، حمید دباشی، و حتی برخی محققین غربی، «گلستان» را مدتی در باب قدرت، سیاست و ساز و کارهای سلطه تحلیل کرده‌اند. هرچند سعدی در ظاهر مدیحه‌سراسرت، اما در باطن نوعی «انتقاد نرم» نسبت به سیاستمداران دارد و اغلب به‌طور غیرمستقیم ساختارهای ناعادلانه را نقد می‌کند. در نتیجه، پیام سعدی به مخاطب امروز آن است که چگونه در برابر قدرت هم هوشیار باشد و هم انسانی رفتار کند. از سوی دیگر، «گلستان» را می‌توان متنی بی‌نیاهت مهم برای بررسی رابطه میان زبان و معنا دانست. ویژگی‌های برجسته زبانی سعدی - ایجاز، کنایه، دوری از زیاده‌گویی و ساختار موسیقایی - او را به یکی از پیچیده‌ترین نویسنده‌های کلاسیک تاریخ ادبیات جهان بدل کرده است. زبان امروز به ظرفیت‌های شفافیت، اختصار و عمق نیاز دارد و این سه ویژگی در سعدی به اوج می‌رسند. تأثیر سعدی بر زبان فارسی چنان عظیم است که می‌شود گفت بدون سعدی، زبان فارسی به شکل امروزی‌اش وجود نداشت. سه عنصر در این میان نقشی کلیدی دارند:

- تثبیت نثر معیار:** «گلستان» بیش از هر اثر دیگری به ایجاد «نثر معیار» کمک کرد. این نثر نه سخت و فنی است و نه عامیانه؛ بلکه «میانه» است؛ همان جایی که زبان برای همیشه می‌ماند.
- توسعه واژگانی:** سعدی یکی از بزرگ‌ترین آفریننده‌های ترکیب‌های تازه، استعاره‌های زنده و تعبیرهای نو بود. بسیاری از اصطلاحات رایج امروز فارسی ریشه در آثار او دارند.
- تأثیر بر سبک سخن و نوشتار:** از نثرنویسان سده‌ها پس از او (قائمی، قائم

مقام، گلستان نویسان دوره قاجار) تا نویسنده‌های معاصر (علی‌اکبر دهخدا، محمدعلی جمالزاده و جلال‌آل احمد) همه در جایی از زبان سعدی الهام گرفته‌اند. شفافیت، ضریاب‌نگ، و بلاغت او همچنان معیار زیبایی نثر فارسی است.

نقش سعدی در تثبیت هویت ایرانی

میراث سعدی برای فرهنگ ایرانی، چیزی فراتر از صرف یک مجموعه ادبی است. او یک «منبع فرهنگی» بی‌باست که در طول هشت سده در گفتمان‌های مختلف بازنمایی شده، در فرهنگ عامه راه یافته، به شیوه‌های گوناگون در فرهنگ ایرانی بازتولید و تفسیر شده، و به تثبیت و غنای «هویت ایرانی» یاری رسانده است.

میراث سعدی در این چهارچوب «تجربه‌های فرهنگی» است که در نثر و پیوند زبندی روزمره ایرانیان تنیده شده است. سعدی به مخاطب خود می‌آموزد چگونه در زبان، انسانیت و تجربه، هویتی ماندگار و در عین حال گسوده به جهان بسازد. این «فرهنگ سعدی» همچنان زنده است و انسان ایرانی هر روز با آن در تعامل است، حتی اگر خود آگاه نباشد.

در حقیقت، سعدی نقش مهمی در شکل‌دهی و تثبیت «هویت ایرانی» داشته است. او به عنوان یکی از نماینده‌های اصلی «فرهنگ ایرانی» در طول سده‌ها، توانسته ارزش‌ها، زبان، و جهان‌بینی ایرانیان را در خود منعکس کند و در عین حال، با پذیرش و تفسیر مفاهیم جهانی (مانند عشق، خرد، عدالت)، به آن غنای بیشتری ببخشد.

نقش سعدی در تثبیت و غنای زبان فارسی، او را مستقیماً با «هویت ملی» گره زده و کار سرتراک، او زبان فارسی را بدل به هویت ملی ایرانیان کرده و زبانی که سعدی پروراند شد زبان «ما»، این بدان معناست که میراث سعدی تنها به متون فاخر و دانشگاهی محدود نمی‌شود؛ بلکه در «فرهنگ عامه» نیز حضور پررنگی دارد. بسیاری از عبارات و ابیات سعدی بدل به ضرب‌المثل شده‌اند و در مکالمات روزمره به کار می‌روند. این کاربرد گسترده، نشان‌دهنده نفوذ عمیق سعدی در زبان و فرهنگ عامه است. همچنین، نقاشی‌های مینیاتور، نگارگری‌ها و حتی برخی طرح‌های گرافیکی امروزی، اغلب از فضای داستان‌ها و شخصیت‌های سعدی الهام گرفته‌اند. این «جسم‌های بصری» به ماندگاری و در دسترس بودن جهان سعدی برای عموم کمک کرده‌اند. در عین حال، سعدی با تأکید بر مفاهیمی چون «بنی آدم اعضای یکدیگرند»، از انسانیت سخن می‌گوید که مرزهای جغرافیایی و فرهنگی را درمی‌نوردد. این رویکرد، جنبه «جهانشمول» فرهنگ ایرانی را برجسته کرده و آن را از انزوا نجات داده است.

پیردانا و آبرواری

سعدی، بویژه از طریق شخصیت «پیردانا»، «حکیم سخن‌گستر»، و «مسافر جهان‌دیده» در آثارش، بدل به یک «نماد فرهنگی» شده است. او در ذهن جمعی ایرانیان، نماینده خرد، اعتدال و تجربه‌ای است که از آزمون زمان سربلند بیرون آمده. این «ابرواری» (Meta-narrator) بودن سعدی، به او اجازه داده تا در موقعیت‌های مختلف، نقش‌های متفاوتی را ایفا کند:

- مرجع اخلاقی:** در مواقعی که جامعه با بحران‌های اخلاقی روبه‌رو بوده، استناد به



سعدی (سمت سرخ، مینیاتوری راست) در باغ گل

از یک نسخه خطی مغولی از گلستان

سعدی (مانند «بنی آدم اعضای یکدیگرند») راهی برای یادآوری ارزش‌های مشترک و بازسازی همبستگی اجتماعی بوده است.

- راه‌نمای زیست:** حکایت‌های «گلستان» و «بوستان»، در طول سده‌ها، «کتاب راهنمای زیست» برای افراد در سطوح مختلف جامعه بوده‌اند؛ از پندهای والدین به فرزندان گرفته تا آموزه‌های معلمین در مکتب‌خانه‌ها و مدارس.

- نماد ادب و زیسان:** سعدی به عنوان «استاد سخن» و «پدر نثر فارسی» شناخته می‌شود. ارجاع به سعدی، حتی در گفتار روزمره، نشان‌دهی از سواد، ذوق ادبی و پایبندی به ریشه‌های فرهنگی محسوب می‌شود.

بازنمایی در گفتمان‌های گوناگون

شخصیت و آثار سعدی در گفتمان‌های مختلف فرهنگی ایران بازنمایی شده و هر گفتمان، آن را مطابق با نیازها و اهداف خود تفسیر کرده است.

- تفسیر دینی و اخلاقی:** در این گفتمان، سعدی عمدتاً به عنوان یک «عارف» یا «پندآموزه اخلاقی» دیده می‌شود. تأکید بر برخی جنبه‌های عرفانی، توکل و اخلاق عملی در آثارش، او را به شخصیتی قابل قبول برای این گفتمان بدل کرده است.
- گفتمان ملی‌گرایانه:** از دوره ناصری به بعد، سعدی به عنوان یکی از ارکان «هویت ملی ایرانی» مطرح شد. تأکید بر زبان فارسی، شکوه ادبی و انسانیت فراگیر در آثارش، او را به نمادی از تمدن و فرهنگ ایرانی بدل کرد.

- گفتمان روشنفکری و مدرن:** روشنفکران ایرانی، بویژه در سده بیستم، سعدی را از منظر «انسان‌گرایی»، «نقد قدرت»، و «تجربه‌گرایی» تحلیل کرده‌اند. آنها در آثار سعدی، پیش‌زمینه‌های فکری مدرنیته و مفاهیمی چون «حقوق بشر» یا «جامعه مدنی» را جست‌وجو کردند. حمید دباشی در کتاب خود، به همین بازنمایی سعدی در گفتمان‌های سیاسی و روشنفکری اشاره دارد.

- گفتمان آموزشی:** سعدی از دیرباز بخش جدایی‌ناپذیر نظام آموزشی ایران بوده است. تدریس «گلستان» و «بوستان» در مدارس و دانشگاه‌ها، نه تنها زبان فارسی را به نسل‌های جدید آموخته، بلکه ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی مرتبط با آثار او را نیز منتقل کرده است.

بازنمودهای فرامرزی

سعدی، یکی از معدود ادبای کلاسیک ایران است که در جهان غرب نیز از سده هفدهم به بعد به‌طور نظام‌مند مطالعه، ترجمه و بازتولید شده است. میراث فرهنگی او در سطح جهانی از سه طریق گسترش یافته است: ترجمه‌ها، ایران‌شناسی و میراث فرهنگی. میراث سعدی در جهان نتیجه سه فرآیند تاریخی است: ۱. ترجمه‌های گسترده از سده ۱۷ تا امروز. ۲. نفوذ در ادبیات تطبیقی و فلسفه غرب. ۳. کارکرد آموزشی و فرهنگی به‌عنوان الگوی گفت‌وگوی میان‌فرهنگی. امروز، سعدی یکی از شناخته‌شده‌ترین نویسنده‌های شرقی در ادبیات جهان است و ترجمه‌های تازه او در اروپا و آمریکا منتشر می‌شود. او نه فقط شاعر ایران، بلکه «شاعر انسان» شمرده می‌شود؛ نویسنده‌ای که توانست طنز، اخلاق و تجربه انسانی را به زبان تازه‌ای به جهانیان معرفی کند.

وضوح و تعادل در منظومه سعدی



مریم مشرف
شاعر و استاد ادبیات فارسی

راز ماندگاری سعدی در طول قرن‌ها به عوامل بسیاری وابسته است و گره خوردن نام و ذهن او با حافظه تاریخی مردم ایران، بی‌تردید از وسعت آثار و گستره تجربه زیسته‌اش سرچشمه می‌گیرد. سعدی در حوزه‌های گوناگون سخن گفته و صداقت و صراحت بیانش نزدیکی بسیاری با جان روح آدمی دارد. این شاعر بزرگ قرن هفتم، با آنکه با دربار ابوبکر بن سعد بن زنگی پیوند داشته، هرگز رام امیران و پادشاهان نشده و شعرش در بنیاد، مردمی است. نکته دیگر مسأله زبان است؛ زبان سعدی نه آن چنان پیچیده و مملو از صور خیال است که خواننده را در تراجم تصویرها گرفتار کند و دور از ذهن بنماید، و نه چنان بی‌پیرایه که اهل ادب و هنر در آن معیار ژرف نیابند. از حیث زبانی نیز وضوح و تعادل بسیاری در سخن او نمایان است. شعر سعدی، به تعبیر منتقدان، به چشمه‌ای می‌ماند که عمق آن آشکار است. از این رو، خوانندگان گوناگون اهل ادب. چه آنان که در زمره خواص‌اند و طالب سخن سنجیده و نمک اعلا، و چه آنان که در شمار عامه‌اند و به دنبال معنایی روشن و قابل درک. از شعر او دست خالی بازمی‌گردند و بهره‌مند می‌شوند. سعدی نزد خاص و عام محبوب است چراکه دو معیار وضوح و تعادل را در کلام خویش به خوبی نگاه

داشته؛ نه شعرش به پیچیدگی می‌گراید و نه در کاربرد آرایه‌های ادبی زیاده‌روی می‌کند، و همین تعادل سبب لذت‌هتری می‌شود.

روزگار پرماجرایی سعدی

در قرن هفتم شاعران بزرگ فراوان‌اند. علاوه و جامعه‌ای که در آن بتواند با آرامش زیست. این نیازی است که نه به قرن هفتم اختصاص دارد و نه به قرن هشتم یا امروز؛ بلکه همواره جاری است. سخن سعدی تاریخ مصرف ندارد. اگر «گلستان» و «بوستان» سعدی در مدارس تدریس شوند، بسی سودمندتر از اقتباس‌های ساده‌سازی شده خواهد بود؛ زیرا اقتباس، عروس سخن را از پیرایه‌های زیبایی که حق اوست، عاری

پیوند عمیق سعدی با زندگی روزمره ۴۰۰ ضرب‌المثل رایج در گلستان سعدی وجود دارد. «خواهی نشوی رسوا، همزنگ جماعت شو...»، «دو دوست قدر شناسند عهد صحبت را که مدتی ببردند و باز پوستند...»، «کنج خواهی، تخمی بکار...»، «ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری...» و ده‌ها نمونه دیگر. این چهارصد ضرب‌المثل در «امثال و حکم» دهخدا آمده و نشان می‌دهد مردم آن‌قدر آنها را خوانده و به کار برده‌اند که به صورت مثل درآمده‌اند؛ و این خود بیانگر پیوند عمیق سخن سعدی با زندگی روزمره است. این ضرب‌المثل‌ها هنوز رایج‌اند و کاربرد دارند. شاید بتوان گفت احترام به حقوق دیگران و عدالت از سوی حکمرانان، مهم‌ترین میراث اجتماعی سعدی در «بوستان» و «گلستان» است. حکایت‌های او همین پیام‌ها را منتقل می‌کنند و در باب‌های «گلستان» سخن تماماً از عدل، عدالت و مردم‌داری است. سعدی این آموزه‌ها را در زمان خویش به شاگردان می‌آموخته و مردم او را استاد خردمند روزگار می‌شمرده‌اند. مسائل بنیادی بشر تغییر نمی‌کند؛ اگر انسان گرفتار حرص، غضب و برتری‌جویی باشد، نزاع و جنگ همواره ادامه دارد. توصیه حکیمان آن است که آدمی با مهار نفس خود بر آرزوهای بیجا، سلطه‌طلبی و حرص چیره شود. این نیاز در هزار سال دیگر نیز باقی خواهد ماند؛ تا آدمیزاد هست، نفس هست و نفس هست، حرص و غضب و میل به

برتری‌جویی نیز هست. از این رو، آنچه حکیمان گفته‌اند جاودانه است؛ و نیز سخنان سعدی هرگز کهنه نمی‌شود، زیرا این چالش‌ها در جهان امروز نیز پارچاست. انسان امروز نیازمند صلح و آرامش و عدالت است؛ نیازمند حکمرانی عادلانه و جامعه‌ای که در آن بتواند با آرامش زیست. این نیازی است که نه به قرن هفتم اختصاص دارد و نه به قرن هشتم یا امروز؛ بلکه همواره جاری است. سخن سعدی تاریخ مصرف ندارد. اگر «گلستان» و «بوستان» سعدی در مدارس تدریس شوند، بسی سودمندتر از اقتباس‌های ساده‌سازی شده خواهد بود؛ زیرا اقتباس، عروس سخن را از پیرایه‌های زیبایی که حق اوست، عاری



می‌کند و کلام را فروگذاسته و بی‌رمق می‌سازد. آثار اقتباسی از گلستان و بوستان چندان نتیجه‌بخش نیستند. بهتر است از سن هفت یا هشت‌سالگی با آموزش تکرار، این آثار در ذهن کودکان بشینند. ما ملتی هستیم که اسناد ادبی خود را کمتر نگاه می‌داریم. فرهنگ ضبط و حفظ آثار را نداریم. اکنون که نامه‌های فروغ فرخزاد منتشر شده، برخی می‌پرسند چرا آثار خصوصی او منتشر یافته؛ حال آنکه کسی که شاعر ملی می‌شود، دیگر نوشته‌ای خصوصی ندارد؛ همه آنها سنده فرهنگی‌اند و باید حفظ شوند. از زندگی چیز چندان نمی‌دانیم جز آنچه خود در آثارش گفته؛ مثلاً آنجا که می‌گوید: «مرا باشد از درد طفلان خبر که در طفلی از سر برفتم پدر»، درمی‌یابیم که بی‌پدر بزرگ شده؛ یا وقتی می‌گوید: «وقتی که اسیر فرنگ شدم، در خندق طرالمیس با جهودانم به کار گل باداشتم»، می‌فهمیم که در جنگ‌های صلیبی به اسارت درآمده است. آرزو دارم هر پژوهشگری که به میدان می‌آید، زحمت پیشینیان را ناچیز نشمارد؛ تصحیح غلامحسین یوسفی بسیار ارجمند است، اما نباید تصحیح محمدعلی فروغی یا کوشش اقبال در عرصه سعدی‌شناسی فراموش شود. وظیفه استادان است که این میراث را به نسل‌های بعد منتقل کنند و در کلاس‌ها منبع سخن را همواره ذکر کنند تا دانش‌جویان با بزرگان این عرصه که امروز در خاک آرمیده‌اند، آشنا شوند. وقتی احترام بزرگان و شاعران در دل دانشجو کاشته شود، خود به خود به سوی آثار آنان خواهد رفت.